

Comparative comparison of the principles of the economic system at first Abbasians era with the principles of the perfect economic system in the modern Islamic civilization

Mohammad Javedan *

Received: 2021/05/30

Accepted: 2021/10/11

Abstract


The economic system is so important in modern Islamic civilization at this time. This paper is compared comparison principles economic system of first Abbasians era with the principles of the Islamic economic system. I try to distinguish the separation between systems and analyze method of Abbasians economic system. this research focus on historical and analytical method and get used to historical documents because of interdisciplinary discussion so is explained principles of the Abbasians economic system by comparing its principles with the principles of the Islamic economic system in three way such as principles of mixed ownership, limited economic freedom and social justice. Any way, this research is explaining the positive points and doning Pathology of Islamic civilization at Abbasians era to make modern Islamic civilization.

Keywords: economic system, the Abbasids, Islamic civilization, mixed ownership, economic freedom

.....
* Ph.D student in Islamic History and Civilization, University Tehran, Tehran, I.

R.Iran,(Corresponding Author)

javedanm@ut.ac.ir

 0000-0002-5315-4324

مقایسه تطبیقی مبانی نظام اقتصادی عصر اول عباسیان با مبانی نظام اقتصادی

تراز در تمدن نوین اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹

محمد جاودان*

چکیده

نظام اقتصادی به‌عنوان عاملی پیش برنده در ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی در عصر کنونی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و شناخت مبانی نظام اقتصادی عصر اول عباسیان و مقایسه‌ی تطبیقی آن‌ها با مبانی نظام اقتصادی اسلام در این مقاله مورد پژوهش قرار گرفته است. تا ضمن برجسته‌سازی جهت‌های تمیز و تفکیک میان این دو نظام و تحلیل روش عمل نظام اقتصادی عباسیان در رشد و یا رکود این نظام؛ نقاط ضعف و قوت این نظام اقتصادی را نیز قابل استنتاج نماید. بنابراین پژوهش پیش روی با روشی تاریخی و تحلیلی و با ارائه‌ی اسناد تاریخی، به‌عنوان بحثی میان‌رشته‌ای به تبیین مبانی نظام اقتصادی عباسیان در عصر نخست، با مطابقت سنجی مبانی آن بر مبانی نظام اقتصادی اسلام در سه اصل مالکیت مختلط، آزادی اقتصادی در کادر محدود و عدالت اجتماعی پرداخته است که بدین ترتیب این تحقیق می‌تواند جهت تبیین نقاط مثبت و نیز آسیب‌شناسی تمدن اسلامی که در عصر عباسیان محقق گردید به کار گرفته شود، تا آن را جهت بهره‌بری در سطح تمدن نوین اسلامی عرضه نماید.

واژگان کلیدی: نظام اقتصادی، عباسیان، تمدن اسلامی، مالکیت مختلط، آزادی اقتصادی.

* دانشجوی دکتری مدرسی تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران، شروع تحولی برای تمدن است. برای رسیدن به چنین تمدنی باید کشور اسلامی دارای نظام اقتصادی قوی و اقتدار ملی باشد. وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه همواره دغدغه‌ی اصلی متولیان و آحاد مردم بوده است و فرهنگ‌سازی و ایجاد تمدن نوین جز بر پایه‌ی ساخته‌ای اقتصادی که توان اجرای آن‌ها را داشته باشد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

در دو قرن اخیر، بحث از نظام اقتصادی، مهم‌ترین موضوع بحث فلاسفه و سیاستمداران و دانشمندان بوده است. تعیین نظام اقتصادی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئله‌ی زندگی اجتماعی به شمار می‌رود. تحولات اجتماعی خفیف یا شدید، زدوخوردها و خونریزی‌ها، سقوط حکومت‌ها و نظام‌ها و جنگ‌های بزرگ ناشی از تحول نظام اقتصادی یا تقابل نظام‌های اقتصادی بوده است. (پیرنیا، ۱۳۴۷، ص ۷۰)

هر نظام اقتصادی، همواره در مجموعه‌ای از اصول تجسم می‌یابد که زیربنای چارچوب خاص تنظیم فعالیت اقتصادی آن است. بدین ترتیب هر نظام اقتصادی، دارای مبانی و مجموعه‌ی اصول و قواعدی در نظام اقتصادی است که روش تحلیل عمل آن نظام را در متغیرات اقتصادی تعیین می‌کنند. (قحف، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳؛ یوسفی، ۱۳۸۲، ص ۱۰) بنابراین برای تبیین نظام اقتصادی عباسیان، لازم است مبانی آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

منابع تاریخی گواهی می‌دهند که عباسیان با ادعای زنده کردن سیره‌ی پیامبر و اقامه‌ی عدل و قسط و زدودن رنج‌ها و آلام مردم رنج‌کشیده و محروم، خلافت خویش را پایه‌گذاری نهادند. (طبری، ۱۳۸۷/ق/۱۹۶۷م، ج ۷، ص ۴۲۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵/ق/۱۹۶۵م، ج ۵، صص ۴۱۱-۴۱۴؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۳، صص ۳۱۹-۳۲۲) بنابراین با ادعای حکومتی اسلامی از سوی عباسیان، مبانی نظام اقتصادی آن‌ها را بایستی با مبانی مورد قبول اسلام در نظام اقتصادی ارزیابی و سنجش نمود. پس برای یافتن پاسخ این پرسش که مبانی نظام اقتصادی عباسیان تا چه حد بر مبانی نظام اقتصادی اسلام تطابق داشته است؟ به مطابقت

سنجی مبانی آن بر مبانی نظام اقتصادی اسلام دست خواهیم زد و هم بدین گونه مبانی نظام اقتصادی عباسیان روشن و واضح خواهد گشت و جهت‌های تمیز و تفکیک میان این دو نظام و دلایل رشد و یا رکود نظام اقتصادی عباسیان قابل استنتاج خواهد بود که در تبیین نقاط مثبت و نیز آسیب‌شناسی تمدن اسلامی که در عصر عباسیان محقق گردید، به‌منظور کاربرست یافته‌ها در نظام اقتصادی، جهت رونق و پویایی تمدن نوین اسلامی؛ می‌توانند به کار گرفته شوند.

اصول یا مبانی منتسب به اقتصاد اسلامی از جانب شهید صدر، ناظر به همه‌ی ابعاد نظام اقتصادی است، اما در این مقاله، چون ناظر به حکومت یا تمدن عباسی بحث می‌شود، مبانی مرتبط با حکومت و نقش دولت مورد بحث است.

۱. پیشینه‌ی تحقیق

مطابق بررسی‌های به‌عمل‌آمده در پایگاه‌ها و رسانه‌های مختلف اطلاع‌رسانی و همچنین منابع کتابخانه‌ای، درباره‌ی موضوع تحقیق، با این عنوان اثر خاصی تألیف نشده است. هرچند در رابطه با اقتصاد عباسیان پژوهش‌هایی در میان آثار متأخر دیده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح است:

- الخراج و النظم المالیه للدوله الاسلامیه؛ اثر محمد ضیاء‌الدین الریس؛ استاد گروه تاریخ اسلامی دانشکده‌ی دارالعلوم دانشگاه قاهره می‌باشد که در سال ۱۹۳۵م آن را به چاپ رسانیده است. این کتاب در ایران توسط فتحعلی اکبری در سال ۱۳۷۳ ش به فارسی ترجمه و از سوی انتشارات دانشگاه اصفهان به چاپ رسیده است. کتاب مزبور به بررسی خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی از آغاز تا نیمه‌ی دوم قرن سوم ق در شش باب و هفده فصل پرداخته است.

- کتاب خراج از آغاز فتوحات تا میانه‌ی قرن سوم که رساله‌ی دکتری غیداء خزنه کاتبی است؛ به راهنمایی عبدالعزیز الدوری، از محققان برجسته‌ی تاریخ اسلام، برای بررسی خراج، نگاشته شده است تا ضمن دستیابی به منابع اصیل خراج، کتب فقهی، ادبی،

جغرافیایی و اسناد حکومتی در این راستا مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

- بیت‌المال نشأته و تطوره؛ نوشته‌ی خوله شاکر الدجیلی می‌باشد که وزارت الاوقاف بغداد در سال ۱۹۷۶م آن را به چاپ رسانیده است. محمدصادق عارف این اثر را به فارسی ترجمه و در مؤسسه‌ی آستان قدس رضوی مشهد با نام «بیت‌المال، پیدایش و تحولات آن»؛ به چاپ رسانیده است. این کتاب به بررسی بیت‌المال از آغاز حکومت اسلامی تا پایان قرن چهارم قمری پرداخته است.

- الاصناف فی العصر العباسی، نشأتها و تطورها؛ نوشته‌ی صباح ابراهیم سعید الشخیلی است که وزارت الاعلام بغداد در سال ۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م آن را به چاپ رسانیده است. در ایران این اثر توسط هادی عالم زاده ترجمه و در مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسیده است.

- مقاله‌ی «آینده‌پژوهی وقف‌های جدید در تمدن نوین اسلامی» نوشته‌ی زهرا پورشعبانیان به بررسی نهاد وقف که یکی از مؤلفه‌های اقتصاد به شمار می‌رود، برای تمدن نوین اسلامی پرداخته است. این پژوهش با رویکرد تاریخی به نقش وقف در توسعه‌ی تمدن در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته است.

- مقاله‌ی «مؤلفه‌های ساختاری تمدن سازی اسلامی (با رویکرد آینده‌پژوهی)» نوشته‌ی علیرضا پیروزمند و محمد خورشیدی به مؤلفه‌های اصلی ساخت تمدن نوین اسلامی با استفاده از تحلیل محتوا و پرسشنامه و آمار پرداخته است. در این مقاله ضمن بحث از ضرورت نظام سازی در تمدن نوین اسلامی، به گونه‌های آن مثل نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی نیز اشاره کرده است.

نگاشته‌های مذکور و دیگر آثاری که به مسائل اقتصادی عباسیان پرداخته‌اند؛ هیچ‌یک به بررسی اصول نظام اقتصادی آن‌ها نپرداخته‌اند. بنابراین، پژوهش پیش روی از این لحاظ که به تبیین مبانی و اصول نظام اقتصادی عباسیان می‌پردازد؛ اثری نو و تازه می‌باشد.

۲. روش‌شناسی

این پژوهش بر مبنای گزاره‌های تاریخی و با تکیه بر مبانی نظام اقتصادی اسلام به مقایسه‌ی

تطبیقی مبانی نظام اقتصادی عصر اول عباسیان با مبانی نظام اقتصادی تراز در تمدن نوین اسلامی پرداخته است. از آنجاکه پژوهش‌های تاریخی مبتنی بر جستجو، بازبینی و بررسی اسناد و مدارک تاریخی‌اند؛ کوشیده‌ایم تا با تکیه بر داده‌های تاریخی، مسئله‌ی موردتحقیق را از منظر سلسله بحث‌های اقتصادی در حوزه‌ی مبانی نظام اقتصادی، با بهره‌گیری از چارچوب نظری موردقبول در علم اقتصاد و علم تاریخ و تمدن و با رویکرد میان‌رشته‌ای به بررسی و تحلیل گزاره‌های تاریخی بپردازیم. بنابراین پژوهش فرا روی، یک پژوهش تاریخی از نوع تحقیقات بنیادی است که رویکرد آن به‌طورکلی شیوه‌ی کیفی می‌باشد که در آن کلیت یک پدیده موردبررسی قرار می‌گیرد.

۳. چارچوب مفهومی

۳-۱. نظام اقتصادی

در تعریف نظام اقتصادی گفته شده است: «نظام اقتصادی عبارت است از مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری که شرکت‌کنندگان در نظام را به یکدیگر و به اموال و منابع پیوند می‌دهند و در راستای اهداف معینی به‌صورت هماهنگ سامان یافته است.» (نمازی، ۱۳۸۶، صص ۲۳-۲۴؛ میر معزی، ۱۳۷۸، ص ۱۷؛ یوسفی، ۱۳۸۷، صص ۲۶-۲۸؛ یوسفی، ۱۳۸۲، ص ۱۰) با ارائه‌ی این تعریف، مراد ما از نظام اقتصادی عباسیان در عصر اول، مدلی از رفتارهای حکومتی عباسیان در برآورده سازی نیازهای مالی و معیشتی به‌منظور تأمین رفاه و آسایش دستگاه خلافت و راضی نگه‌داشتن جامعه به‌منظور بقاء خلافتشان؛ می‌باشد.

اصول نظام اقتصادی اسلام را می‌توان از بررسی احکام و رژیم اقتصادی آن به دست آورد. شهید صدر سه اصل اساسی را به‌عنوان زیربنای نظام اقتصادی اسلام معرفی کرده است که موجب تمایز آن از سایر نظام‌های اقتصادی می‌گردد که عبارت‌اند از: ۱- اصل مالکیت مختلط ۲- اصل آزادی اقتصادی در کادر محدود ۳- اصل عدالت اجتماعی. (صدر، ۱۳۸۲/۱۴۲۵ق، ص ۲۸۱) کلیات این سه اصل از سوی دیگر صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی نیز پذیرفته شده است. (نور احمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵) بنابراین مبانی نظام اقتصادی

عباسیان را برابر با این سه اصل فرض خواهیم کرد و به تبیین مطابقت و یا عدم مطابقت آن‌ها با اصول مذکور خواهیم پرداخت.

۲-۳. عصر اول عباسی

دولت عباسی در سال ۱۳۲ق/۷۵۰م تشکیل شد و بیش از پنج قرن تا ورود مغولان به بغداد در سال ۶۵۶ق/۱۲۵۸م به‌طور مداوم حکومت کرد. دولت عباسی اوضاع و شرایط متعددی داشته و دوره‌های متنوعی را به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، دینی، سیاسی و نظامی سپری کرده است. همین امر، مورخین را بر آن داشته تا عصر عباسی را به چهار دوره‌ی متمایز تقسیم کنند: عصر اول به معنای دوران نیرومندی، گسترش و شکوفایی (۱۳۲-۲۳۲ق/۷۵۰-۸۴۷م)، عصر دوم دوران نفوذ ترکان (۲۳۲-۳۳۴ق/۸۴۷-۹۴۶م) است و عصر سوم دوره‌ی نفوذ آل‌بویه‌ی ایرانی (۳۳۴-۴۴۷ق/۹۴۶-۱۰۵۵م) و عصر چهارم نیز به معنای دوره‌ی نفوذ سلاجقه ترک. (طوقوش، ۱۳۸۳، صص ۶-۹)

عصر اول عباسی با طلوع حکومت عباسیان به سال ۱۳۲ق/۷۵۰م با ابوالعباس سفاح آغاز و با مرگ نهمین خلیفه‌ی عباسی، واثق در سال ۲۳۲ق/۸۴۷م به پایان رسید؛ به عبارت دیگر این دوره یک سده‌ی کامل تداوم داشت. در این مقاله بحث از مبانی نظام اقتصادی به عصر اول عباسی اختصاص یافته است.

۳-۳. تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی به‌عنوان هدف انقلاب اسلامی، پیشرفتی همه‌جانبه است که به تعبیر مقام معظم رهبری: «ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ این‌جور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱).

«این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزار، علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها

همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. ... اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱) «ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲).

«طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، در واقع ارائه‌ی محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه‌ی عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه‌ی اسلام است. بنابراین افق کار باید بلندمدت و همراه با افزایش عمق دیده شود.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱) بر این اساس می‌توان گفت که تمدن نوین اسلامی، عبارت است از: ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، سیستماتیک و نوظهور امت اسلامی، با محوریت ایران، براساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌ها.

۴. اصل مالکیت مختلط

براساس ارزش‌های موجود در جامعه‌ی سرمایه‌داری، مالکیت فردی به‌عنوان یک قاعده‌ی عمومی پذیرفته‌شده است. بنابراین در سیستم سرمایه‌داری، این امکان برای افراد وجود دارد که انواع گوناگون ثروت کشور را مطابق فعالیت‌ها و شرایطی که دارند، به مالکیت خصوصی خویش درآورند. به دیگر سخن، سرمایه‌داری مالکیت عمومی را قبول ندارد، مگر آنگاه که ضرورت اجتماعی ایجاب کند. اما نگاه جامعه‌ی سوسیالیستی درست عکس جامعه‌ی سرمایه‌داری است، چون در جامعه‌ی سوسیالیستی مالکیت عمومی اصل کلی بوده که شامل همه‌ی انواع ثروت کشور می‌شود و مالکیت خصوصی نسبت به بعضی از ثروت‌ها، حالت استثنایی را دارد. دین اسلام سه نوع مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی را پذیرفته و برای هریک میدان عمل خاصی در نظر گرفته است، از این‌روی، هم مالکیت فردی را در صورتی که یک قاعده‌ی فراگیر و مطلق باشد- چنان چه مبنای نظام سرمایه‌داری است - و هم مالکیت اشتراکی را به طرز خاصی که نظام کمونیستی قائل است طرد کرده است. (صدر، ۱۳۸۲/۱۴۲۵ق، صص ۲۸۱-۲۸۳)

مالکیت‌های سه‌گانه‌ی مذکور در نظام اقتصادی عباسیان روند اجرایی خود را تا حدودی برحسب ضوابط اسلامی طی کردند، مالکیت خصوصی افراد معتبر بود و برحسب قواعد اسلامی مالک آن محسوب می‌گردید. رونق اقتصادی و رفاه عمومی در عصر نخست عباسی که زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی را فراهم آورد؛ گواه روشنی است بر این‌که مردمان تحت حکومت عباسان از آزادی اقتصادی و حق مالکیت خصوصی برخوردار بوده‌اند. کتاب‌های تاریخی از مالکان و خرده‌مالکان زمین‌های زارعی و گسترش کشاورزی و باغداری در عصر عباسی یاد کرده و از بازرگانی گسترده و بازارهای پررونق این دوران سخن گفته‌اند. (مقدسی، ۱۴۱۱ ق/۱۹۹۱م، ص ۹۷، ۳۲۳-۳۲۵ و ۶۹۳؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵، ص ۱۰۶-۱۱۲۲ و ۲۱۶-۲۱۷؛ خطیب بغدادی، [بی‌تا]، ۱/۱۱۹، ۹۳-۹۲، p.92-93 (Labib, 1969, p.92-93) البته مصادره‌ی اموال کارگزاران و باز گذاشتن دست کارگزاران برای درازدستی بر مال مردم در پاره‌ای مواقع؛ (طبری، ۱۳۸۷ ق/۱۹۶۷م، ج ۸، ص ۲۹۶؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۷۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق/۱۹۶۵م، ج ۹، ص ۳۶۸) آفتی بود که این نوع مالکیت را از سوی دستگاه خلافت مورد تهدید قرار می‌داد.

بیت‌المال به‌عنوان ملک عمومی مسلمانان تلقی می‌گردید. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۶۹؛ شاکر الدجیلی، ۱۳۷۹، صص ۱۶-۱۷) ولی از سوی دیگر، در همین عصر، بسیاری از اموال و زمین‌هایی که برحسب قواعد اسلامی باید به مالکیت عمومی بیت‌المال مسلمین درمی‌آمد از آن خلفاء و درباریان گردید. عباسیان اموال و غنائم زیادی را به تصرف خویش درآورده (به‌عنوان نمونه بنگرید به: طبری، ۱۳۸۷ ق/۱۹۶۷م، ج ۷، صص ۴۰۶، ۴۳۴ و ج ۸، ص ۱۵۳؛ بلاذری، ۱۹۸۸م، صص ۱۵۱-۱۸۰، ۱۵۲، ۲۸۸، ۱۹۹) و شخص خلیفه خود را منشأ همه‌ی اختیارات دانسته و چون همه‌ی امور مربوط به دولت از سوی او صادر می‌شده است، طبعاً حق تصرف مطلق را برای خود قائل بوده است. (طبری، ۱۳۸۷ ق/۱۹۶۷م، ج ۸، ص ۸۹) و این امر از انواع اسراف‌کاری‌های شگفت‌انگیز آن‌ها در بذل و بخشش به‌خوبی آشکار است. به‌گونه‌ای که منصور که شخصی بخیل و تنگ‌نظر بود و در میان خلفای

عباسی در بخل و پول‌پرستی زبان زد عام و خاص بود (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۳؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۰۷) دستور داد به هریک از چهار عمویش یک میلیون درهم از بیت‌المال پرداخت شود (طبری، ۱۳۸۷/ق ۱۹۶۷م، ج ۸، صص ۸۴-۸۵) و در جریان آشتی هادی و هارون عباسی پس از نزاع و مناقشه‌ای که داشتند، هادی دستور داد تا یک میلیون درهم برای هارون فرستاده و نصف خراج از آن وی باشد. (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۳۳۹) نمونه‌های تاریخی زیادی از این‌گونه اسراف‌کاری و بخشش‌های بی‌دریغ خلفاء عباسی در عصر اول ذکر شده است که اگر بخواهیم آن را بیانگر چیزی بدانیم، آن چیز همان میزان سلطه‌ی خلیفه بر اموال است.

بنابراین می‌توان ادعا نمود که تسلط حکومت بر اموال خصوصی افراد و نیز اموال عمومی که برخلاف موازین اسلامی است؛ به‌نوعی نظام سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی را درباره‌ی اموال عمومی و بیت‌المال ایجاد کرده بود و بدین ترتیب زمینه‌های رکود و انحطاط تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد که موجب نابسامانی‌های اقتصادی و رکود تولید داخلی و عدم تناسب در توزیع بهینه‌ی ثروت‌ها گردیده است.

۵. اصل آزادی اقتصادی در کادر محدود

نظام سرمایه‌داری مبتنی بر مالکیت خصوصی است که صاحبان سرمایه بر اساس مقتضای رقابت بازار در توزیع و مصرف، از آزادی تولید و رقابت در بالا بردن قیمت‌ها به هر میزان ممکن و یا انحصار تولید در اختیار گروه سرمایه‌دار می‌باشد. (قحف، ۱۳۸۴، صص ۱۶۳-۱۶۵)

اسلام به اعطای آزادی اقتصادی محدود در چهارچوب ارزش‌های معنوی و اخلاقی معتقد است و در حدود ارزش‌های معنوی و ایده‌های اسلامی به توده‌ها آزادی اقتصادی می‌دهد و از طرفی این آزادی را در مجرای صحیح خود قرار داده است؛ از این رهگذر از آزادی اقتصادی، وسیله‌ی خوبی برای خدمت به خلق به وجود می‌آورد. (صدر، ۱۳۸۲/۱۴۲۵ق، ص ۲۸۴)

محدودیت‌هایی که اسلام برای آزادی اقتصادی قائل است از قرار زیر می‌باشند:

الف) محدودیت روشی: برخلاف نظام سرمایه‌داری، در نظام اقتصادی اسلام، فعالیت‌های اقتصادی باید در چارچوب قوانین و بر اساس آزادی‌های مشروع در فقه و شریعت باشد. دین اسلام؛ ربا، احتکار، رشوه و... که در نظام اقتصادی اسلام آسیب‌زا محسوب می‌شوند را منع کرده است. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۱)

عباسیان در عصر نخست، با بهره‌گیری از وزیران و مستشاران هوشمند و از سوی دیگر با جلب علماء و فقهاء به تدوین و اجرای قوانین و فتاوا در زمینه‌های مربوط به اداره‌ی جامعه دست زدند و در مسائل اقتصادی با وضع و به‌کارگیری قوانین و فتاوا، به پیشرفت آن کمک کردند. برخی از این قوانین اقتصادی، قوانین اخلاقی در موضوع قیمت عادلانه، سود منصفانه، مزد عادلانه و... و تدبیر این امور بود. (طبری، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م، ج ۸، ص ۹۶)

برخی از این قوانین، قوانین نظارتی بود که موجب می‌شد تا حکومت‌ها نسبت به حفظ و حراست بازار مسلمین و تجارت‌های مسلمین در حرام و بطلان معاملات توجه داشته باشند و قوانینی را برای این امر وضع بنمایند. منصور دوانیقی، عاصم بن سلیمان الاحول را بر حسبه و نگهبان کیل‌ها و اوزان شهر کوفه (ابن سعد، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م، ج ۷، ص ۱۳۱) و ابا زکریایحیی بن عبدالله را مأمور بازارهای بغداد، گمارده بود. (طبری، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م، ج ۷، ص ۶۵۳؛ خطیب البغدادی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۷۹)

برخی قوانین به ساخت صنایع و ابزارآلات مربوط بود و امتحان سازندگان آنان در مهارت و تخصصشان در صنعت و حرفه‌ای که پیشه کرده‌اند. هارون‌الرشید دستور داد تا رؤسا و بزرگان اصناف مانند رئیس عطرسازان را که هفتادوسه نفر بودند؛ مورد امتحان قرار دادند. پس کسانی را که مهارت داشتند باقی ماندند و کسانی که مهارت و تخصص کافی را نداشتند، عزل کردند. (سعید الشخیلی، ۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م، ص ۱۴۶) و یکی از اصول اندازه‌گیری اقتصاد، کیفیت کالا و خدمات تولیدشده است که مراقبت حکومت و دولت

می‌تواند متغیر آن را در توازن اقتصادی تا حدودی روشن سازد و بر همین اساس تخمین زده می‌شود که حکومت عباسی در این معیار رشد، دقت لازم را داشته است.

برخی از قوانین مربوط به مالیات‌های زمین‌های زراعی و زراعت و کشاورزی و باغداری که آن را به عربی خراج گویند و امور مربوط به آن‌ها بود. منصور مالیات‌ها را ساماندهی کرد و مستقیماً زیر نظر خودش گرفت و فرمان تعدیل مالیات‌های سواد (عراق) را صادر نمود. وی به سال ۱۴۱ق/۷۵۸م کارمندانی به کوره شام، حمص، بعلبک و دمشق فرستاد، فرستادگان مساحت زمین‌ها را سنجیده و حدود آن را معلوم ساختند، صاحبان زمین‌ها را شناسایی و مالیات هر زمین را معین نمودند. (مکی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۸) در دوره‌ی مهدی تحولی عظیم در امر خراج رخ داد و آن این‌که از نظام مساحت که از زمان عمر بن خطاب و بلکه قبل از آن در زمان دولت ایران معمول بود، عدول شود و به نظام مقاسمه عمل شود. (همان، ص ۲۲۹؛ ابن طقطقا، ۱۴۱۴ق/۱۳۷۲، ص ۱۸۲؛ ماوردی، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م، ص ۴۶۵) معنی نظام مساحت آن است که خراج مقرر و معین بر مساحتی معین از زمین تعیین می‌گردد که دولت آن را در سال یکجا و یا به اقساط می‌گیرد بدون آن‌که به آنچه پیش می‌آید، از قبیل اختلاف کمیت‌های محصول یا ملاحظات دیگر توجه شود. اما در نظام مقاسمه مانند یک ثلث را دولت و دو ثلث برای زارعان، بدون توجه به مساحت، طبعاً با تغییر یافتن محصول به دست آمده؛ خراج نیز تغییر می‌یابد. (ریس، ۱۳۷۳، صص ۴۱۴-۴۱۵)

از دیگر قوانین مالیاتی، وضع مالیات بر بازار می‌باشد. برای نخستین بار در حکومت اسلامی، در عصر نخست عباسی، برای فروشندگان و بازاریان، مالیات مقرر شد و بین مورخان در این‌که کدام خلیفه عباسی، آغازگر این عمل بوده است اختلاف است، گروهی گویند منصور (طبری، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م، ج ۷، ص ۶۵۳؛ بلاذری، ۱۹۸۸م، ص ۲۸۹) و گروهی گویند مهدی عباسی (یعقوبی، ۱۴۱۴ق/۱۳۷۳، ص ۳۹۹؛ خطیب البغدادی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۸۱؛ ابن الجوزی، ۱۳۴۲ق، صص ۱۳-۱۴) مالیات را بر دکان‌ها و مغازه‌های بازار وضع کرده‌اند و این قانون ثروت سرشاری را به خزانه روانه کرد. همچنین به موجب قانون، بر

خانه‌ها و بازارها و بناهایی که مردم بر زمین‌های حکومتی بنا می‌کردند نیز مالیاتی خاص وضع شده بود که اصطلاحاً آن را «المستغلات» می‌نامیدند. (زیدان، ۱۳۸۲، ص ۳۰۱)

برخی از قوانین مربوط به مجازات متخلفان و از جمله متخلفان اقتصادی و یا جرائم اقتصادی می‌شد. گفته شده است که به دستور منصور از معزول مالی گرفته می‌شد و نام معزول، روی همان مال نوشته می‌شد و جداگانه، در خزانه‌ای به نام «بیت‌المال مظالم» حفظ می‌شد و مال و متاع فراوان در آنجا گرد آمد. (همان، ص ۲۴۵) همچنین مصادره‌ی اموال کارگزاران و کتّاب که از راه‌های غیرقانونی کسب می‌کردند، یکی از پدیده‌های بارز در تاریخ نظام اقتصادی عباسیان به شمار می‌رود. در سال ۲۲۹ق/۸۴۴م واثق کاتبان را به زندان انداخت و آنان را از چهل هزار تا یک میلیون دینار جریمه کرد. این جدای از اموالی است که به سبب سوء عملکرد از عمال خود گرفت و آنان را تحویل محاکم قضایی داد تا محاکمه شوند. (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۷۷). بر این اساس، نظام اقتصادی عباسیان با بهره‌گیری از فتاوی‌ای فقهی اداره می‌شد و قوانین اقتصادی که در بالا ذکر گردید مأخوذ و یا متأثر از همین فتاوا می‌باشند. اما با وجود محدودیت‌ها در روش‌های کسب اموال، مصادره‌ی اموال کاتبان در عهد واثق (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۷۷) نشان می‌دهد که در آن روزگار، رشوه و فساد میان مردان دولت تا چه حد رواج گرفته بود. همچنین ابونعیم شاعر در عصر مأمون گفته است: «امیر ما رشوه می‌گیرد.» (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۳۶) و روشن است که رشوه و ربا بر طبق صریح اسلام حرام است. (سوره‌ی بقره / ۲۷۵) و از موانع رشد و ترقی اقتصادی جامعه و موجب عدم فزونی تولید و توزیع و مصرف خواهد بود و هرچه میزان آن بالا رود به همان میزان رکود اقتصادی را در پی خواهد داشت.

ب) محدودیت مصرفی: دین اسلام مصرف را تنها بر اساس موازینی در جهت پیشرفت‌های اقتصادی و پرهیز از تضييع حقوق دیگران جایز دانسته و از هرگونه مصرف‌گرایی آسیب‌زا نهی می‌نماید و کسب ثروت و رفاه را براساس اهداف معینی در چارچوب‌های خاص جایز می‌داند.

گرایش عباسیان به تجمل‌گرایی و جمع‌آوری ثروت، نظر آنان را به ساخت کاخ‌های زیبا و گران‌قیمت و صرف مخارج گران در این کاخ‌ها جلب کرد، به‌گونه‌ای که در ساخت کاخ‌ها به تفنن و تنوع و ایجاد نوعی رقابت در ساخت کاخ‌ها و بناهای گران‌قیمت روی آورده بودند. چنان‌که منصور با چهار هزار نفر در کاخ عمویش که آن را از وی ستاند همگی جا شدند و رشید بر دجله قصری ساخت، در تزئین آن تفنن‌ها کرد، ستون‌های مرمر داشت و رشید بر پنجره‌ها می‌نشست و آواز ملاحان را می‌شنید. (همان، صص ۹۲۱-۹۲۲) با این حال یکی از کاخ‌های برمکیان که وزیران خلیفه بودند تنها بیست میلیون درهم خرج آن شده بود. (طبری، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م، ج ۷، ص ۲۹۱؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م، ج ۶، ص ۱۷۶) و دیگر خلفای عباسی نیز کاخ‌های متعددی بنا کردند که در کتب تاریخی ذکرشان آمده است و بدین گونه اموال بیت‌المال را صرف تجملات و زیاده‌روی‌های خودخواهانه‌ی خود می‌کردند که این نوع مصرف سبب انباشت ثروت در دست افراد خاص و به دنبال آن نظام طبقاتی در بعد اقتصادی و اجتماعی خواهد بود که در تاریخ از آن به‌عنوان اشرافی‌گری یاد شده است.

ج) محدودیت موضوعی: از نظر اسلام برخلاف سرمایه‌داری، همه‌چیز نمی‌تواند تحت مالکیت خصوصی درآید مانند: جنگل‌ها، دریاها، معادن و منابع زیرزمینی، صنایع مادر و... در عصر عباسیان، تشکیلات اداری و مالی رشد یافت و بیت‌المال امور مالی دولت را تحت کنترل و نظارت خود داشت و حساب‌های مربوط به حمل اموال و عاملان دولتی در آنجا ثبت می‌شد. (شاکر الدجیلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵) در عصر نخست، خلفای قوی حکم می‌راندند و توانستند ثروت‌های عمومی را افزایش دهند. بر این اساس، قدرت مطلق عباسیان در عصر اول، بر اقتصاد حکومت و مملکت تأثیر به‌سزایی داشت، زیرا که استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی رابطه‌ای دوسویه دارند. هرگاه دولت و حکومتی از لحاظ تکنولوژی و صنعت و اقتصاد به خودکفایی رسیده باشد، راه‌های تسلط دشمن، که به دلیل نیاز و وابستگی سیاسی - اقتصادی فراهم می‌شود از راه تأمین و خودکفایی اقتصادی مسدود

می‌گردد و زمانی که حکومت و ملتی در اداره‌ی امور خود وامدار دیگری هستند بی‌تردید در تأمین نیازهای اساسی اقتصادی خویش وابسته هستند و بالعکس اگر حکومتی به لحاظ سیاسی مستقل باشد توان تأمین اقتصاد خویش را پیدا خواهد کرد. منصور به فرزندش مهدی سفارش کرد که بغداد را حفظ کند در همان‌جا بماند و مبادا پایتخت دیگری برگزیند. او به فرزندش گفت: «... آن قدر ثروت برای تو جمع کردم که اگر ده سال هم خراج نداشته باشی، حقوق سپاهیان، هزینه‌های دولت و خانواده‌ات را کفایت کند. پس آن را خوب حفظ کن، بدان تا زمانی عزیز هستی که بیت‌المال تو آباد باشد.» (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م، ج ۶، ص ۱۸) بنابراین تأمین بودجه‌ی دولت و بیت‌المال از اصول نظام اقتصادی عباسیان در عصر اول بوده است که نشان می‌دهد همه‌چیز نمی‌تواند تحت مالکیت خصوصی درآید.

د) مشارکت اجتماعی: در نظام اقتصادی اسلام، اشخاص بر پایه‌ی مسئولیت اجتماعی موظف‌اند تا مازاد درآمد خود و خانواده را به‌عنوان مالیات‌های اسلامی بپردازند تا ضمن برآورده سازی نیازهای جامعه و کمک به رشد عمومی جامعه، از انباشت ثروت‌ها و اختلاف طبقاتی نیز اجتناب شود.

در عصر عباسیان، با تنوع درآمدهای دستگاه خلافت و بیت‌المال، مشارکتی گسترده در تأمین هزینه‌های جاری خلافت و رفاه عمومی و توزیع ثروت‌ها پدید آمد. راه‌های تولید درآمد در دستگاه خلافت متنوع گشت و بنا به گفته‌ی جرجی زیدان، منابع و درآمدهای مالی خلافت در زمان عباسیان به یازده فقره رسید که بدین قرار هستند: ۱. صدقه یا زکات ۲. جزیه ۳. خراج ۴. گمرک داخلی ۵. باج ماهی گیری ۶. ده یک کشتیرانی ۷. پنج یک معادن ۸. گمرک خارجی ۹. عایدات ضرابخانه‌ها ۱۰. مستغلات ۱۱. مالیات صنعتگران (زیدان، ۱۳۸۲، ص ۲۸۵) و البته باید فقره دوازدهم را نیز بدان افزود و آن غنائم جنگی است. طبری گوید: «غنائمی که خداوند پیش از تن دادن رومیان به پرداخت جزیه، به هارون الرشید ارزانی داشت حدود پنج هزار و ششصد و چهل‌وسه تن بود. در آن جنگ،

چهل و پنج هزار رومی کشته شد و از اسیران، دو هزار و نود تن به تدریج بی‌رمق گشتند و جان باختند. در همین جنگ بیست هزار چهارپا با سازوبرگ به غنیمت به دست او افتاد و نتیجه‌ی آن همه غنائم آن شد که پابو به قیمت یک درهم، استر نر به قیمت کمتر از ده درهم، زره به کمتر از یک درهم و بیست شمشیر به یک درهم خرید و فروش می‌شد. (طبری، ۱۳۸۷/ق ۱۹۶۷م، ج ۷، ص ۱۵۳) و البته اموال صادره‌ای و جرایم مالی را هم باید فقره‌های دیگری دانست که به خزانه و بیت‌المال مسلمین و یا خزانه‌ی خلیفه وارد می‌شد. (به‌عنوان نمونه بنگرید: ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۷۷)

رفتارهای حکومتی عباسیان در مصارف و مخارج این مالیات‌ها و درآمدها؛ ضمن ترسیم الگوی مصرفی این نظام اقتصادی؛ ضرورت و اهداف این‌گونه مصارف را تبیین می‌نمایند. ثروت‌ها و مالیات‌های گزافی که از شرق و غرب قلمرو گسترده‌ی عباسیان به خزانه می‌رسید، مایه‌ی تجمل‌گرایی و ثروت پرستی کاخ‌نشین‌های عباسی شده و به ساخت کاخ‌های زیبا و گران‌قیمت و صرف مخارج گران در این کاخ‌ها روی آوردند. (طبری، ۱۳۸۷/ق ۱۹۶۷م، ج ۸، ص ۲۹۱ و صص ۵۰۸-۵۰۹؛ مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۲۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵/ق ۱۹۶۵م، ج ۶، ص ۱۷۶ و صص ۲۹۳-۲۹۶) و هزینه‌های گزافی را صرف تجملات و خوراک و باده‌گساری و عیش و نوش خویش نمودند. (طبری، ۱۳۸۷/ق ۱۹۶۷م، ج ۸، صص ۲۲۶ و ۵۱۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵/ق ۱۹۶۵م، ج ۶، صص ۲۹۵-۲۹۶؛ زیدان، ۱۳۸۲، صص ۹۷۳ و ۹۷۹؛ ابراهیم حسن، ۱۳۸۸، ص ۹۲۴؛ مکی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷) باوجود درآمدهای مالیاتی سرشار؛ بسیاری از خلیفگان این عصر در بخشش اموال گشاده‌دست بودند و نیز در تقسیم مستمری و حقوق کارگزاران خویش کوتاهی نمی‌کردند و بلکه هدایا و پاداش‌هایی را نیز برایشان لحاظ می‌کردند. (طبری، ۱۳۸۷/ق ۱۹۶۷م، ج ۸، صص ۹۵، ۲۱۵، ۳۴۷، ۵۵۷ و ۶۰۸؛ مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۲۳) این بخشش‌ها، افزون بر ثبات دولت و حکومت، موجب جلب و دلگرمی مردم به حکومت و نیز مایه‌ی رفاه و آسایش می‌گردید. کوشش عباسیان و دولتمردان دستگاه خلافت در عصر نخست، در آبادانی و عمران و ساخت

شهرها و پل‌ها و راه‌ها و آب‌رسانی و حفر نهرها و درعه‌ها و... (طبری، ۱۳۸۷/ق/۱۹۶۷م، ج ۷، ص ۶۵۵، ج ۸، ص ۱۳۶؛ جهشیاری، ۱۴۳۰/ق/۲۰۰۹م، ص ۲۶۵ - ۲۶۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵/ق/۱۹۶۵م، ج ۶، ص ۵۵) نام عباسیان را پرآوازه ساخت. همچنان که در ترویج بازار ادبیات عرب و لغت و علم و هنر و موسیقی و... کارگر افتاد و جامعه‌ی اسلامی را به سمت تمدنی پرآوازه گسیل داشت.

ه) **اختیارات دولت اسلامی:** دولت اسلامی باید در راستای تنظیم بازار و ایجاد رفاه عمومی، قوانین و مقرراتی را در جهت نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی همه‌ی گروه‌ها وضع نماید و از هرگونه فعالیت‌ی که به زیان بیت‌المال و عموم جامعه منجر می‌شود جلوگیری نماید و ضمن برخورد با متخلفان، از طریق مصادره‌ی اموال آن‌ها به جبران حقوق و اموال تضییع شده مبادرت ورزد.

دستگاه خلافت عباسی علاوه بر وضع قوانین خاص اقتصادی و گماشتن حسبه بر بازارها، دیوان زمام را پدید آورد تا بر سائر دیوان‌ها و کارگزاران حکومت نظارت داشته باشد. (طبری، ۱۳۸۷/ق/۱۹۶۷م، ج ۷، ص ۱۶۷؛ متز، ۱۳۸۸، ص ۹۵؛ ابراهیم حسن، ۱۳۸۸، ص ۸۶۰؛ مکی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۸) همچنین دیوان‌های بیت‌المال، جهنزه و مصادرات نیز بر حسابرسی‌های اموال عمومی، دولتی و حتی خصوصی نظارت داشتند. (ماوردی، ۱۴۲۲/ق/۲۰۰۱م، صص ۳۲۵-۳۲۶؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۴، صص ۱۰-۱۱ و ج ۵، صص ۷۳، ۲۲۴، ۲۶۴) و بدین ترتیب، حکومت عباسی بر موازنه‌ی سه عنصر اصلی اقتصاد یعنی تولید، توزیع و مصرف تا حدودی نظارت داشته و درصدد برقراری چنین توازنی نیز بوده است که گاهی بر اثر زیاده‌روی در مصارف شخصی برخی افراد این موازنه از حد اعتدال خارج می‌شده است چنان‌که بحث آن گذشت. (بحث محدودیت مصرفی)

بنابراین روشن می‌شود که نظام اقتصادی عباسیان درعین حال که آمیخته به مقررات اسلامی و تا حدودی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام بوده است، اما تسلط خلفای عباسی و دولتمردان آن‌ها بر اموال عمومی و بیت‌المال مسلمین و شیوه‌های نادرست

مصرف و توزیع که خارج از چهارچوب‌ها و محدودیت‌های مذکور بودند و حق هرگونه آزادی عمل را به دولتمردان و خلفاء در رابطه با تصرف اموال مذکور می‌داند و از سوی دیگر، آزادی‌های اقتصادی بی‌حدومرز در رابطه با تولید و توزیع و مصرف کالاها و تجارت به‌نوعی نظام سرمایه‌داری را در دوران کهن تداعی می‌کنند.

۶. اصل عدالت اجتماعی

اسلام نظام توزیع ثروت در جامعه‌ی اسلامی را از عناصر و تضمین‌هایی بهره‌مند کرده است که توزیع، قادر بر تحقق عدالت اسلامی باشد و با ارزش‌هایی که بر پایه‌ی آن‌ها استوار است انسجام داشته باشد. از سوی دیگر، اسلام عدالت اجتماعی را با مفهوم مجرد عام آن رها نکرده که هر نوع تفسیری بدان راه یابد بلکه آن را در ضمن برنامه‌ی اجتماعی خاصی جلوه‌گر ساخته است که دارای دو اصل همکاری عمومی و توازن اجتماعی باشد. (صدر، ۱۴۲۵/ق/۱۳۸۲، صص ۲۸۸-۲۸۹) و بر همین اساس، دعوت به پرداخت خمس و زکات و صدقه و انفال و... کرده است.

فرآیند توزیع عادلانه و تحقق اصل عدالت اقتصادی در اثر یک نظام اقتصادی با ثبات و مستقل برخاسته از مقبولیت عامه‌ی مردمی تأمین می‌گردد. باید دید که نظام اقتصادی عباسی آیا توانست در برآوردن این مهم، گام بردارد؟

یکی از مواردی که از ضروریات هر جامعه‌ی مترقی است، توجه حکومت و دولت به عمران و آبادانی و کمک و همیاری به تخصص‌ها و مهارت‌ها است. دور از انصاف نیست که بگوییم عباسیان در عصر نخست به آبادانی و رفاه جامعه توجه داشته‌اند و زمینه‌ی رشد و گسترش برخی فعالیت‌های اقتصادی را فراهم آوردند. خلیفه منصور در سفر حج خویش (در سال ۱۳۸/ق/۷۵۵م) دستور داد تا مسجدالحرام را توسعه دهند. (یعقوبی، ۱۴۱۴/ق/۱۳۷۳، ص ۳۶۹) وی در ساخت بغداد، نزدیک به صد هزار نفر از دانشمندان را گردآورد و گفت: «جایی می‌خواهم که مردم با آن خو گیرند و با من و مردمان سازگار باشد. قیمت کالاها در آنجا افزایش نیابد و مخارج زندگی برای مردم گران نباشد.» (طبری، ۱۳۸۷/ق/۱۹۶۷، ج ۷،

ص ۶۱۵) قاضی ابویوسف نیز در کتاب الخراج، هارون الرشید را انذار می‌دهد نسبت به این‌که یکی از مبانی مهم حکومت، رعایت تقوی و عدالت و انصاف در اخذ خراج و جزیه می‌باشد که زیربنای یک نظام سیاسی، اقتصادی رو به ترقی می‌باشند. (قاضی ابویوسف، ۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م، صص ۳-۶) مسعودی نیز درباره‌ی عمران و آبادی از سوی خلفاء عباسی می‌گوید: «معتصم، عمران و آبادانی را دوست می‌داشت و می‌گفت این کار محسناتی دارد: در درجه‌ی اول زمین آباد می‌شود که مایه‌ی حیات جهان و افزایش خراج است و اموال فزونی و توسعه می‌یابد، چهارپایان به حیات خویش ادامه می‌دهند، قیمت‌ها کاهش می‌یابند، کار و کسب رونق می‌یابد و معاش فراوان می‌شود.» (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۶۰)

یکی دیگر از ابزارهای ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی، زدودن آثار فقر از جامعه است. به همین سبب، از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام) تمامی افراد جامعه باید در تأمین نیازهای اولیه‌ی معیشت خویش در وضعیت اقتصادی مطلوب و مناسب شرافت و کرامت انسانی خود باشند و رفاه عمومی در جامعه برقرار گردد. از این رو، امام علی (علیه‌السلام) مبارزه‌ی گسترده‌ای را با فقر آغاز کرد. ایشان درباره‌ی فقر می‌فرمود: «خدا یا! آبرویم را با بی‌نیازی نگهدار و با تنگدستی شخصیت مرا لکه‌دار مفرما.» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۲، ص ۳۲۹، خطبه ۲۲۵)

بنابراین اگر نیروهای انسانی در سرزمینی، تنها به رفع گرسنگی بیندیشند، دیگر فرصتی باقی نمی‌ماند تا آدمی به مسائلی ضروری‌تر و بنیادی‌تر پرداخته، بستر پیدایش تمدن را فراهم آورد. به بیانی دیگر، با آسایش خاطر از ضروریات اولیه زندگی است که آدمی در اندیشه‌ی ایجاد علم، فلسفه، ادبیات و هنر می‌افتد و تنها در این صورت است که تمدنی پدیدار می‌گردد. پس در این صورت، رهبران جامعه علاوه بر تأکید بر ارتقاء سطح فرهنگی و معنوی مردم، بایستی نسبت به تأمین نیازهای اولیه‌ی زندگی مردم همت لازم را داشته باشند.

در عصر اول عباسی، به دلیل حضور همه‌جانبه‌ی مستشاران و رایزنان با درایت ایرانی فضای سیاسی تا حدی گسترش یافت و ثروت جامعه‌ی اسلامی رو به فزونی نهاد و رفاه و آسایش مردم فراهم آمد و یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخی خلافت اسلامی رقم خورد؛ دوره‌ای که نزد محققان به عصر طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی (زیدان، ۱۳۸۲، ص ۲۳۹؛ خوری حتّی، ۱۳۸۰، ص ۳۷۵) و روزگار پرونق مملکت اسلامی موسوم است. (ابن طقطقا، ۱۴۱۴/ق ۱۳۷۲ش، ص ۱۹۵) خزانه‌ی آکنده از ثروت (مسعودی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۸) در اندک زمانی، بغداد را به شهر افسانه‌های هزار و یک‌شب مبدل نمود (زرّین‌کوب، ۱۳۷۳، ص ۴۲۰) تا جایی که مردم به دلیل رونق و رفاه عمومی، این عصر را «ایام عروس» نامیده‌اند. (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۶۹۸) ثروت و رفاه عمومی، مردم را به تغنن در امور گوناگون سوق می‌دهد. بی‌تردید این عنصر در قلمرو اسلامی در عصر نخستین عباسی، بر گسترش تمدن اسلامی نقشی بی‌بدیل داشته است. روی آوردن مردمی که در رفاه و ثروت می‌زیستند، به دانش و تغنن در حرفه‌ها و پوشاک و خوراک و ...، نیازهای جدیدی را پیش می‌آورد که اختراعات و نوآوری‌ها و اکتشافات جدید را ضرورت می‌بخشد.

باید همه‌ی اصول نظام اقتصادی و قواعد آن به‌صورت کامل اجرا شود تا نتایجی که نظام به دست‌یابی به آن‌ها تمایل دارد، محقق شود. فعالیت‌های اقتصادی باید با مطالبات نظام و عرصه‌های مختلف جامعه ناسازگار نباشد. چراکه نظام اقتصادی با جنبه‌های گوناگون جامعه در ارتباط می‌باشد. چنان‌که مثلاً تحریم ربا در نظام اقتصادی اسلام و یا جمع‌کردن زکات و توزیع آن توسط دولت، مستلزم وضع مقررات و اجرای هماهنگ آن از سوی همه‌ی نهادهای ذی‌ربط برای تحقق اهداف نظام می‌باشد.

بنابراین برحسب آنچه گذشت به نظر می‌رسد نظام اقتصادی عباسیان یک نظام آمیخته از اصول اقتصاد اسلامی بوده که سوء عملکرد خلفاء عباسی و اطرافیان‌شان آن را به‌صورت نظام سرمایه‌داری مبتنی بر اصل مالکیت فردی و انباشت ثروت‌ها و ذخایر در دست افراد و گروه‌هایی خاص جلوه‌گر ساخته است.

از همین روی، با وجود اصول سه‌گانه - هرچند ناقص و دارای خلل - که نظام اقتصادی عباسیان در عصر نخست داشت؛ برخی نظریه‌ها؛ نظام اقتصادی عباسیان را نخستین شکل نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد دانسته‌اند که در دوران طلایی شکل گرفت (Cambridge University press, p437) و گفته شده است که در خلال قرن هشتم تا دوازدهم میلادی، ممالک اسلامی جایی برای نخستین بازارهای تجاری، دادوستد و سرمایه‌داری درآمدند. (Labib, 1969, p.p 81, 83, 85, 90, 93, 96)

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش در راستای دستیابی به تمدن نوین اسلامی این‌گونه است که این پژوهش با ورود به عرصه‌ی افق‌های نوین در مطالعات تاریخی جهت الگوبرداری و آسیب‌شناسی برای تمدن نوین اسلامی، به طرح اصول و مبانی نظام اقتصادی اسلام از طریق مقایسه‌ی تطبیقی مبانی نظام اقتصادی عصر اول عباسیان با مبانی نظام اقتصادی تراز در تمدن نوین اسلامی پرداخته است و نتایج حاصل از آن بدین صورت است که: ادعای عباسیان در اسلامی بودن حکومت آنان، مقتضی آن است که اصول و مبانی آن در چهارچوب مبانی اسلام سنجیده شوند. بنابراین اصول و مبانی نظام اقتصادی عباسیان در عصر اول با تطابق سنجی بر سه اصل مورد قبول در نظام اقتصادی اسلام در قالب مالکیت مختلط، آزادی اقتصادی در کادر محدود و عدالت اجتماعی مورد ارزیابی واقع می‌شوند. هرچند مالکیت مختلط (خصوصی، عمومی، دولتی) در نظام اقتصادی عباسیان روند اجرایی خود را تا حدودی برحسب ضوابط اسلامی طی کرد، ولی تلقی مالکیت خصوصی خلفاء عباسی، نسبت به اموال مردم و دست برد به بیت‌المال مسلمانان در جهت مصارف شخصی باعث یک نظام اشرافی و تقریباً سرمایه‌داری در میان طبقه‌ی حاکم شده بود. در نظام اقتصادی عباسیان، برای محدود نمودن روش‌های کسب و درآمد در چهارچوب مبانی شرعی، قوانین خاصی وضع شده بود که گاهی توسط دستگاه خلافت و کارگزاران، این قوانین نقض می‌شدند.

در عصر اول عباسیان با تنوع درآمدهای دستگاه خلافت و بیت‌المال، مشارکتی گسترده در تأمین هزینه‌های جاری خلافت و رفاه عمومی و توزیع ثروت‌ها پدید آمد؛ اما از سوی دیگر عباسیان محدودیت‌های مصرفی مورد قبول اسلام را نادیده انگاشتند و با دست برد به بیت‌المال مسلمین به ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی و بنای کاخ‌های مجلل و خوش‌گذرانی روی آوردند.

عباسیان در عصر اول با وجود برخی فعالیت‌های عمرانی و تلاش در تأمین رفاه عمومی؛ اصل عدالت اجتماعی خود را با تخصیص منابع دولتی و عمومی به خود نقض کرده و بدین ترتیب به نظر می‌رسد نظام اقتصادی عباسیان یک نظام آمیخته از اصول اقتصاد اسلامی بوده که سوء عملکرد خلفاء عباسی و اطرافیان‌شان آن را به صورت نظام سرمایه‌داری مبتنی بر اصل مالکیت فردی و انباشت ثروت‌ها و ذخایر در دست افراد و گروه‌هایی خاص جلوه‌گر ساخته است.

کتابنامه

ابراهیم حسن، حسن (۱۳۸۸)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات بدرقه جاویدان.

ابن اثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن ابی‌الکرم المعروف بابن‌الاثیر (۱۳۸۵/ق۱۹۶۵م)، *الکامل فی‌التاریخ*، بیروت، دارصادر - دار بیروت.

ابن جوزی، جمال‌الدین ابی‌الفرج عبدالرحمن بن علی‌الشهیر بابن‌الجوزی (۱۳۴۲ق)، *مناقب بغداد معه تاریخ مساجد بغداد و آثارها، تصحیحه و تعلیقه محمد بهجه‌الثری البغدادی*، بغداد، مطبعه الدارالسلام.

ابن‌حوقل، محمد بن‌حوقل (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ابن‌سعد، محمد بن‌سعد بن‌منیع‌الزهری (۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م)، *الطبقات الکبری*، بیروت، داراحیاء التراث.

ابن‌ظقطقا، محمد بن‌علی بن‌طباطبا المعروف بابن‌الظقطقا (۱۳۷۲/۱۴۱۴ق)، *الفخری فی‌الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیه*، قم، منشورات الشریف‌الرضی.

ابن‌مسکویه، ابوعلی‌مسکویه‌الرازی (۱۳۷۹)، *تجارب‌الأمم*، تحقیق ابو‌القاسم امامی، تهران، انتشارات سروش.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، *مکاسب‌محرمه*، قم، منشورات دارالذخائر.

پورشعبانیان، زهرا (۱۳۹۹)، *آینده‌پژوهی وقف‌های جدید در تمدن نوین اسلامی*، *دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۲، تهران: دانشگاه شاهد، صص ۶۹-۹۶. پیرنیا، حسین (۱۳۴۷)، *تفکر علمی و توسعه اقتصادی و اجتماعی*، تهران، انتشارات مروارید.

پیروزمند، علیرضا و محمد خورشیدی (۱۳۸۹)، *مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی (با رویکرد آینده‌پژوهی)*، *دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۱، تهران: دانشگاه شاهد، صص ۳۲۸-۳۵۲.

جهشیاری، ابی‌عبدالله محمد بن‌عبدوس‌الجهشیاری (۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م)، *الوزراء و‌الکتاب*، اعاده و تحقیق ابراهیم صالح، ابوظبی، هیئه ابوظبی للثقافه و التراث - المجمع الثقافی.

خطیب‌البغدادی، حافظ ابی‌بکر احمد بن‌علی بن‌الخطیب‌البغدادی، [بی‌تا]، *تاریخ بغداد او مدینه*

- السلام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین‌الحسینی (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*، تهران، خیام.
- ریس، ضیاء‌الدین (۱۳۷۳)، *خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی*، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۲)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- سعید الشخیلی، صباح ابراهیم (۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م)، *الاصناف فی العصر العباسی نشأتها و تطورها*، عراق، وزاره الاعلام.
- شاکر الدجیلی، خوله (۱۳۷۹)، *بیت‌المال پیدایش و تحولات آن*، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۲/۱۴۲۵ق)، *اقتصادنا، تحقیق مکتب الاعلام الاسلامی - فرع خراسان*، قم، بوستان کتاب.
- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر الطبری (۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م)، *تاریخ الطبری - تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۳)، *دولت عباسیان*، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم، موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- قاضی ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم (۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م)، *الخراج*، قاهره، المطبعه السلفیه.
- قحف، منذر (۱۳۸۴)، «دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی»، ترجمه سیدحسین میرمعزی، *مجله اقتصاد اسلامی*، سال پنجم، (ش ۱۸): صص ۱۵۷-۱۷۸.
- قدامه بن جعفر، ابوالفرج (۱۳۷۰)، *کتاب الخراج*، ترجمه و تحقیق حسین قرچانلو، تهران، نشر البرز.
- ماوردی، علی بن محمد بن حبیب البصری البغدادی الماوردی، (۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م)، *الاحکام السلطانیة والولايات الدینیة*، دراسه و تحقیق محمد جاسم الحدیثی، بغداد، منشورات المجمع العلمی.
- متز، آدام (۱۳۸۸)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۸۹)، *التنبیه و الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مسعودی، ابی الحسن علی بن حسین (۱۳۸۲)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مکی، محمداکرم (۱۳۸۳)، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، ترجمه محمد سپهری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

مقدسی، أبو عبدالله محمد بن أحمد (۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱ م)، *أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم*، القاهرة، مکتبه مدبولی.

میر معزی، سید حسین (۱۳۷۸)، *نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی)*، قم، کانون اندیشه جوان.

نمازی، حسین (۱۳۸۶)، *نظام‌های اقتصادی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

نور احمدی، محمدجواد (۱۳۸۹)، *اقتصاد دینی از منظر اندیشمندان مسلمان و مسیحی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

سید رضی (۱۳۸۲)، *نهج‌البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات نسیم کوثر.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب المعروف بابن الواضح (۱۳۷۳/۱۴۱۴ ق)، *تاریخ یعقوبی*، قم، منشورات الشریف الرضی.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۲)، *تأثیر مبانی فلسفی نظام اقتصاد اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)*، مجله *اقتصاد اسلامی*، ش ۹، صص ۷-۲۲.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۷)، *نظام اقتصاد علوی، مبانی، اهداف و اصول راهبردی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Subhi Y. Labib , "Capitalism in Medieval Islam", *The Journal of Economic History* , (1969):79-96

_____ , *The Cambridge economic history of Europe*, Cambridge University Press, ISBN 0521-08709-0